



Prohibition on Acquiring Knowledge of Weapons of Mass Destruction, with an Emphasis on the Interplay between Imami Jurisprudence and International Human Rights Law

Hossein Ranjbar¹, Mehdi Norouzi^{2*}, Reza Esfandiar Eslami³, Mohammad Rasoul Ahangaran⁴

1. PhD student in Jurisprudential Theories, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Contemporary Law and Jurisprudence, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.
3. Associate Professor, Research Institute for Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.
4. Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, University of Tehran (Farabi Campus), Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1-14

Article history:

Received: 21 Nov 2025

Edition: 9 Dec 2025

Accepted: 29 Dec 2025

Published online: 28 Mar 2026

Keywords:

Genocide, Human Rights, Environment, Jurisprudence.

Corresponding Author:

Mehdi Norouzi

Address:

Iran, Qom, University of Religions and Denominations, Department of Contemporary Law and Jurisprudence.

Orchid Code:

0009-0009-8694-1373

Email:

m.norouzi@urd.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: This article examines the jurisprudential and legal dimensions of the prohibition on acquiring knowledge of and developing weapons of mass destruction (WMDs) in the Islamic Republic of Iran. It seeks to analyze the foundations of this prohibition within the interaction between Ja'fari jurisprudence and international human rights law, as well as to assess its conformity with global legal standards.

Materials and Methods: This study adopts a descriptive-analytical approach and draws upon authoritative jurisprudential sources (including juristic reasoning, narrations, and principles of jurisprudence), key international instruments (such as the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons and the Geneva Conventions), and the views of Ja'fari scholars.

Ethical Considerations: The ethical framework of the research is grounded in Islamic principles, including the rule of *lā ḍarar wa lā ḍirār* (prohibition of harm), the prohibition of *'awn 'alā al-ithm* (assistance in sin), and the protection of human dignity, civilian lives, and the environment.

Findings: The findings indicate that Ja'fari jurisprudential perspectives range from the absolute prohibition of acquiring and producing WMDs to conditional permissibility for defensive and deterrent purposes. Nevertheless, the fatwas of leading religious authorities and the official position of the Islamic Republic of Iran emphasize the prohibition of producing and using such weapons, in accordance with international obligations such as the NPT.

Conclusion: The study concludes that Iran's jurisprudential and legal opposition to WMDs reflects a convergence between Ja'fari jurisprudence and international law, underscoring a commitment to humanitarian principles, environmental protection, and the promotion of international peace and security.

Cite this article as:

Ranjbar H; Norouzi M; Esfandiar Eslami R; Ahangaran M.R. Prohibition on Acquiring Knowledge of Weapons of Mass Destruction, with an Emphasis on the Interplay between Imami Jurisprudence and International Human Rights Law. 2026.

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

ممنوعیت تحصیل دانش تسلیحات کشتار جمعی با تأکید بر تعامل فقه امامیه و حقوق بشر بین‌الملل

حسین رنجبر^۱، مهدی نوروزی^{۲*}، رضا اسفندیار اسلامی^۳، محمد رسول آهنگران^۴

۱. دانشجوی دکتری مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

۳. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

۴. استاد گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: این مقاله به بررسی جنبه‌های فقهی و حقوقی ممنوعیت تحصیل دانش و تسلیحات کشتار جمعی در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. هدف اصلی، تحلیل مبانی این ممنوعیت در چارچوب تعامل فقه امامیه و حقوق بشر بین‌الملل و تطبیق آن با موازین حقوقی جهانی است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر فقهی (کتب استدلالی فقه، روایات، قواعد اصولی)، اسناد بین‌المللی مانند پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و کنوانسیون‌های ژنو و دیدگاه‌های علمای امامیه انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی این تحقیق بر اصول اسلامی مانند قاعده «لا ضرر و لا ضرار» (نهی هرگونه آسیب رسانی)، حرمت «اعانت بر اثم» (همکاری در گناه) و تأکید بر حفظ کرامت انسانی، جان غیرنظامیان و محیط زیست استوار است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد، دیدگاه فقه امامیه درباره این مسئله از «حرمت مطلق» تحصیل و تولید تسلیحات کشتار جمعی تا «جواز مشروط» آن برای مقاصد دفاعی و بازدارندگی متغیر است. با این حال، فتاوی مراجع عظام و موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران بر حرمت تولید و استفاده از این تسلیحات تأکید دارد. این موضع با تعهدات بین‌المللی ایران، مانند NPT، همسویی دارد.

نتیجه: نتیجه کلی تحقیق نشان می‌دهد که موضع فقهی و حقوقی ایران در محکومیت تسلیحات کشتار جمعی، بیانگر همگرایی فقه امامیه با حقوق بین‌الملل و تعهد ایران به ارزش‌های بشردوستانه، حفظ محیط زیست و تلاش برای صلح و امنیت بین‌المللی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱-۱۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

کشتار جمعی، حقوق بشر، محیط زیست، فقه.

نویسنده مسئول:

مهدی نوروزی

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، گروه حقوق و فقه مقارن.

کد ارکید:

0009-0009-8694-1373

پست الکترونیک:

m.noruzi@urd.ac.ir

۱. مقدمه

تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی گرایش دارد. دوم، مواضع فقهی و حقوقی ایران در این زمینه با تعهدات بین‌المللی همسو بوده و نشان‌دهنده التزام کشور به ارزش‌های بشردوستانه و حفاظت از محیط زیست است. سوم، رویکرد ایران در مواجهه با تسلیحات کشتار جمعی نمونه‌ای از همگرایی فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل است که می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای دارای نظام حقوقی دینی ارائه دهد. با توجه به این مسائل، مقاله حاضر تلاش می‌کند تا تحلیلی منسجم از جایگاه ایران در تقاطع فقه، حقوق و اخلاق جهانی ارائه دهد و نشان دهد که چگونه می‌توان چارچوبی هماهنگ میان قواعد دینی، حقوق بین‌الملل و اصول بشردوستانه برقرار کرد.

نوآوری اصلی این پژوهش در تحلیل همگرایی نظام‌مند فقه امامیه با حقوق بین‌الملل در زمینه‌ی منع تسلیحات کشتار جمعی نهفته است. برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً این دو حوزه را به‌صورت مستقل بررسی کرده‌اند، مقاله حاضر با رویکردی تطبیقی و میان‌رشته‌ای می‌کوشد ظرفیت‌های تعاملی فقه جعفری و نظام حقوقی بین‌المللی را در تقویت ممنوعیت اخلاقی و حقوقی این‌گونه سلاح‌ها واکاوی کند. پرسش محوری پژوهش آن است که: «حکم فقهی تولید و به‌کارگیری تسلیحات کشتار جمعی در فقه امامیه چیست و این حکم تا چه اندازه با موازین حقوق بین‌الملل، به‌ویژه معاهداتی چون پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و کنوانسیون‌های ژنو، همسویی و همگرایی دارد؟». پاسخ به این پرسش، افزون بر تبیین جایگاه

در عصر حاضر، گسترش روزافزون تسلیحات کشتار جمعی یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در عرصه حقوق بین‌الملل، اخلاق و امنیت جهانی محسوب می‌شود. این سلاح‌ها با قابلیت تخریب بی‌سابقه و پیامدهای جبران‌ناپذیر انسانی و زیست‌محیطی، پرسش‌های اساسی درباره مشروعیت اخلاقی و حقوقی تولید و استفاده از آنها مطرح کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با هویت دینی و نظام حقوقی مبتنی بر فقه امامیه، در مواجهه با این مسئله رویکردی خاص و چندبعدی اتخاذ کرده است و تلاش دارد میان ضرورت دفاع مشروع و حفظ عزت اسلامی از یک سو و منع تولید سلاح‌های غیرمتعارف از سوی دیگر، توازنی برقرار کند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا فقه امامیه تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی را مجاز می‌داند و در صورت ممنوعیت، این حکم تا چه اندازه با موازین حقوق بین‌الملل، از جمله معاهداتی مانند پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و کنوانسیون‌های ژنو، همسو است. همچنین این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان بین تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در زمینه منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی و مبانی فقهی و اخلاقی کشور، همگرایی معناداری یافت. برای پاسخ به این پرسش‌ها، این مقاله با بهره‌گیری از منابع معتبر فقهی و اسناد بین‌المللی، با روش توصیفی-تحلیلی، سه فرضیه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نخست آنکه فقه امامیه با استناد به قواعدی چون «لاضرر»، «نهی سبیل» و «حرمت اعانت بر اثم»، به حرمت مطلق یا مشروط

۵. بحث

مقاله حاضر با تمرکز بر تعامل فقه امامیه و حقوق بین‌الملل، چارچوبی تحلیلی ارائه می‌دهد که شامل بررسی نظریه‌های مختلف فقهی مانند حرمت مطلق، جواز مشروط، مقابله به مثل، نفی سبیل و قاعده لاضرر است. همزمان، رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح فقهی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که مواضع ایران تلفیقی از الزامات شرعی و تعهدات بین‌المللی است. در نهایت، مقاله بر همگرایی فقه امامیه با حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی تأکید می‌کند و ایران را به عنوان نمونه‌ای از تعامل سازنده دین و حقوق مدرن معرفی می‌کند.

۵-۱. هم‌گرایی فقه امامیه و حقوق بین‌الملل در ممنوعیت تحصیل دانش

یکی از مباحث چالش‌برانگیز در دوران معاصر، موضوع رابطه، تعامل یا تقابل میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با مسائل فقهی است.

۵-۱-۱. نظریه دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

در حقوق بشر و حقوق بشردوستانه با رویکرد دینی، محوریت با خداوند است و انسان وظیفه دارد حیات، اندیشه و رفتار خود را در مسیر صراط مستقیم و در جهت تقرب به خدای متعال سامان دهد. حقوق بشر در این نگاه، برگرفته از تعالیم ادیان الهی و در چارچوب اراده و فرمان خداوند است؛ از این‌رو نمی‌تواند از ارزش‌ها و ملاحظات الهی جدا باشد. در اسلام، مقصود از «بشر» موجودی مطلق و مستقل

فقهی - حقوقی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند الگویی برای تعامل سازنده نظام‌های حقوقی دینی با نظم حقوقی بین‌المللی ارائه دهد.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر فقهی، از جمله کتب استدلالی فقه، روایات و قواعد اصولی و همچنین اسناد بین‌المللی مانند پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) و کنوانسیون‌های ژنو انجام شده است. نویسنده با تحلیل دیدگاه‌های علمای امامیه و تطبیق آن با موازین حقوق بین‌الملل، به بررسی جنبه‌های فقهی و حقوقی ممنوعیت تحصیل دانش و تولید تسلیحات کشتار جمعی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف این مقاله ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

دیدگاه فقه امامیه دربارهٔ تحصیل و تولید تسلیحات کشتار جمعی، در طیفی از «حرمت مطلق» تا «جواز مشروط» برای اهداف دفاعی و بازدارندگی متغیر است. با این حال، فتاوی مراجع عظام و موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران بر حرمت تولید و استفاده از این تسلیحات تأکید دارد. این رویکرد نه تنها با قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر و نفی سبیل همسو است، بلکه با تعهدات بین‌المللی ایران از جمله پیمان NPT نیز مطابقت کامل دارد.

بسیاری از حقوق‌دانان و اعضای کمیته تدوین اعلامیه بر این باور بودند که فرهنگ‌ها و سنت‌های اسلامی، مسیحی و سایر مکاتب فلسفی نیز در شکل‌گیری این سند نقش داشته‌اند. به‌عنوان نمونه، در بحث «جنگ عادلانه»، در متون مسیحی همچون *انجیل عبرانیان* و *سرود دیورا* به جنگ مشروع و مقدس اشاره شده است. سنت آگوستین نخستین کسی بود که به‌طور نظام‌مند به تبیین مفهوم جنگ عادلانه در آیین مسیحیت پرداخت. پس از او، اندیشمندانی چون سیسرو، توماس آکویناس و هیوگو گروسیوس این اندیشه را گسترش دادند و آن را به یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل کردند. (فیکسدال و دان، ۱۹۹۸، ۳۱۲-۲۸۳)

همچنین در تدوین میثاقین بین‌المللی حقوق بشر، که با مشارکت کشورهای آسیایی و آفریقایی صورت گرفت، برای نخستین بار به حقوق جمعی بشر مانند «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» - که از آموزه‌های مشترک ادیان الهی است - اشاره شد (امین‌زاده، ۱۳۹۱: ۶ و ۹). به گفته‌ی قاضی کریستوفر ویرا مانتری، نایب‌رئیس پیشین دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، هر پژوهشی در زمینه‌ی حقوق بین‌الملل غربی مبتنی بر این پیش‌فرض نادرست است که گویا منشأ و خاستگاه حقوق بین‌الملل در غرب بوده است. این دیدگاه از چند جهت نادرست است:

نخست، مسلمانان از گذشته نظامی منظم و پیشرفته از مقررات حقوق بین‌الملل را پایه‌گذاری کرده‌اند که آثار آن به‌طور مفصل در متون فقهی و حقوقی آنان منعکس شده است. ثانیاً، انتقال

از خدا نیست، بلکه انسانی است که در ارتباط با خدا معنا و هویت می‌یابد. (محقق داماد، ۱۳۷۸، ۴۹۲-۴۹۳) مشروعیت رعایت حقوق انسان‌ها در این دیدگاه، از وحی الهی و مرجع قانون‌گذاری الهی ناشی می‌شود، در حالی‌که در اندیشه غربی، مشروعیت به خود انسان و کرامت ذاتی او بازگردانده شده و نیازمند هیچ مرجع متعالی نیست.

افزون بر این، گروسیوس از نوشته‌های فرانسیسکو سوارز نیز استفاده کرده است؛ اندیشمندی که خود در آثارش از منابع و اندیشه‌های اسلامی تأثیر پذیرفته بود (قربان‌نیا، ۱۳۹۲، ۳۳) در دوره و اتل و در میانه قرن هجدهم، ارتباط مستقیم میان منابع دینی و حقوق بین‌الملل کمرنگ شد و به تدریج حقوق طبیعی جایگزین مبانی دینی گردید. (برئو و رحمان، ۲۰۰۷، ۱۱۷-۱۱۶)

باید توجه نمود که در برخی کشورهای اسلامی، قوانین اساسی به گونه‌ای تدوین شده‌اند که حقوق اسلامی را منبع اصلی قانون‌گذاری قرار می‌دهند و روابط خارجی خود را نیز بر پایه‌ی تعهدات اسلامی و الزامات بین‌المللی تنظیم می‌کنند. در جریان تدوین قانون اساسی اتحادیه اروپا نیز کلیسا پیشنهاد داده بود که علاوه بر اشاره به دین، سنت‌های مذهبی به‌عنوان بخشی از هویت اروپایی در متن قانون به رسمیت شناخته شود، اما این پیشنهاد پذیرفته نشد و تنها در مقدمه‌ی قانون، به «الهامات فرهنگی و مذهبی» به‌عنوان میراث ارزشی اروپا که الهام‌بخش احترام به قانون و حقوق انسان است، اشاره گردید. (حسینی و محمدزاده، ۱۳۹۶، ۱۰۲)

مستقیماً از منابع و آثار عربی تأثیر پذیرفته و خود او نیز اذعان دارد که این مفهوم در حقوق اسلامی شناخته شده بوده است (شریف‌الدین، ۱۹۸۱، ۱۵۰-۱۴۹). همچنین بارون دو توب در سخنرانی خود در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه (۱۹۲۶) اعلام کرد که مقررات مربوط به اعلام جنگ در حقوق بین‌الملل معاصر، به‌طور مستقیم از نظریه‌های اسلامی گرفته شده و از طریق کلیسای مسیحی و آیین شوالیه‌ها در دوران جنگ‌های صلیبی به نظام حقوقی غربی راه یافته است. (موسی‌زاده، ۱۳۸۳، ۶۸)

نباید فراموش نمود که اصولی که از تعالیم اسلامی برگرفته شده‌اند، در سطح بین‌المللی نیز انعکاس یافته‌اند؛ به‌گونه‌ای که مواد ۱۰، ۱۱، ۳۵، ۴۴، ۵۱، ۵۴، ۶۰، ۷۵ و ۷۸ مندرج در پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ (مصوب ژوئن ۱۹۷۷) در زمینه‌ی حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه، مستقیماً در راستای آموزه‌هایی قرار دارند که در حقوق اسلامی پیش از آن مورد تأکید و عمل بوده‌اند. (حسن‌خانی، ۱۳۸۵، ۱۱۵-۱۱۶)

در سایر ادیان الهی نیز، با وجود تفاوت‌های ظاهری در جزئیات و آیین‌ها، اشتراکات فراوانی در اصول بنیادین وجود دارد؛ از جمله ایمان به خدای یکتا، اعتقاد به ربوبیت مطلق الهی، کرامت انسان به‌عنوان خلیفه خدا بر زمین، و تأکید بر تقوا، عدالت و عمل صالح. همه‌ی این ادیان، به انسان و جامعه‌ی بشری با دیدی برابر می‌نگرند و رسالت خود را گسترش محبت، عدالت و کرامت انسانی می‌دانند. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹، ۱۴۰-۱۴۵) برای نمونه، در آیین زرتشت، مفاهیم حقوق بشری در اصولی همچون آزادی اندیشه و آزادی انتخاب دین نمود یافته است.

گسترده‌ی دانش و اندیشه از جهان اسلام به غرب در تمامی حوزه‌های علمی، فلسفی و فرهنگی، به‌ویژه پس از قرن یازدهم میلادی، یک واقعیت غیرقابل انکار است. ثالثاً، اصل بنیادین حقوق بین‌الملل غربی یعنی «وفای به عهد» که در قرن هفدهم توسط گروسیوس مطرح شد، ریشه‌ای عمیق در تعالیم قرآن و سنت اسلامی دارد و از دیرباز یکی از اصول محوری حقوق بین‌الملل اسلامی به شمار می‌رفته است. (موسی‌زاده، ۱۳۸۳، ۶۵)

به باور ویرامنتری، حقوق بین‌الملل غربی تا حد زیادی تحت تأثیر شناخت و آگاهی دانشمندان قرون پانزدهم و شانزدهم، به‌ویژه دانشمندان ایتالیایی و اسپانیایی، از زبان و ادبیات عربی شکل گرفته است. او نتیجه می‌گیرد که با توجه به حضور گسترده کشورهای اسلامی در سازمان ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌تواند حقوق بین‌الملل اسلامی را به‌عنوان بخشی از میراث مشترک دانش بشری نادیده بگیرد. (ویرامنتری، ۱۹۸۸، ۱۴۹-۱۵۰) برخی پژوهشگران نیز با بررسی جایگاه اسلام در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل و با توجه به فاصله‌ی هزارساله میان دوران روم تا انتشار کتاب «حقوق جنگ و صلح» گروسیوس (۱۶۲۵)، بر این باورند که این خلأ تاریخی با نفوذ و انتقال مفاهیم حقوقی اسلامی پر شده است. آنان معتقدند که در همین بازه زمانی، یعنی دوران شکوفایی تمدن اسلامی و آغاز شکل‌گیری تمدن غرب، بسیاری از نویسندگان اروپایی از آثار مسلمانان الهام گرفته‌اند. برای نمونه، بخش دهم کتاب گروسیوس درباره‌ی «بازگرداندن اموال ضبط‌شده‌ی دشمن»،

کرامت انسان نه در گسست از امر متعالی، بلکه در پیوند آگاهانه با ارزش‌های اخلاقی و الهی معنا می‌یابد.

۵-۱-۲. نظریه فرا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

دیدگاه مورد اشاره بر این باور است که حقوق به دو دسته‌ی فطری و موضوعه تقسیم می‌شوند. حقوق فطری، حقوقی هستند که در جریان تاریخ شکل گرفته و با گذر زمان رشد و تکامل یافته‌اند و منعکس‌کننده‌ی ارزش‌ها، آرزوها و هنجارهای اجتماعی ملت‌ها هستند. این نوع حقوق فراتر از تصمیمات و اراده‌ی قانون‌گذاران قرار دارد و حکومت‌ها موظف‌اند آن‌ها را به‌عنوان معیارهای متعالی و غیرقابل چشم‌پوشی بپذیرند. بنابراین، حقوقی که در قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت مطرح می‌شود، لزوماً ابتکار مستقیم قانون‌گذاران نیست، بلکه آنان با درج و قالب‌بندی آن در ساختار قانونی کشور، این حقوق تاریخی را به رسمیت شناخته و اجرای آن را بر دولت‌ها الزام آور کرده‌اند.

از منظر این دیدگاه، هر مسئله‌ای که خارج از محدوده‌ی حقوق فطری و فهم انسان نباشد، در قلمرو دین قرار می‌گیرد و وظیفه دین محدود به ارائه ارزش‌ها و اصول کلی انسان‌محور است. برخی پژوهشگران نیز بر این باورند که حقوق بشر ذاتاً مستقل از دین و مبتنی بر فطرت انسان است و برای پی‌بردن به ریشه‌های تاریخی آن، می‌توان به دوران شکوفایی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در آتن باستان مراجعه کرد. پس از آن دوره درخشان، در قرون وسطی این حقوق به شدت تحت فشار قرار

همچنین آموزه‌های زرتشتی بر آزادی مسکن و رفت‌وآمد، احترام به زنان، حقوق دیگر انسان‌ها، حیوانات و طبیعت تأکید دارد. در آیین یهود، از ده فرمان مندرج در باب بیستم تورات، چهار فرمان مربوط به حقوق خداوند و شش فرمان دیگر مرتبط با حقوق انسان‌ها است.

هرچند تفاوت‌هایی در شیوه‌ی اجرا و برخی احکام ادیان الهی دیده می‌شود — که اغلب ناشی از اهداف و سیاست‌های حکمرانان در طول تاریخ است — اما از طریق گفت‌وگوی آزاد و تعامل میان تمدن‌ها و ادیان می‌توان از معارف الهی برای ترویج کرامت انسانی و کاهش تبعیض‌ها و نقض حقوق بشر بهره گرفت. (حسینی و محمدزاده، ۱۳۹۶، ۱۰۴)

در مجموع، این بررسی نشان می‌دهد که تقابل دوگانه و ساده‌انگارانه میان «حقوق بشر دینی» و «حقوق بشر سکولار» نه تنها با واقعیت‌های تاریخی و معرفتی سازگار نیست، بلکه مانع فهم عمیق ریشه‌های مشترک اخلاقی و حقوقی نظام‌های حقوقی معاصر می‌شود. حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، برخلاف روایت‌های مسلط، محصول یک سیر تک‌خطی غرب‌محور نبوده‌اند، بلکه حاصل گفت‌وگویی طولانی و پیچیده میان سنت‌های دینی، فلسفی و فرهنگی گوناگون‌اند که در آن، اندیشه‌های اسلامی و سایر ادیان الهی نقشی بنیادین ایفا کرده‌اند. بازشناسی این میراث مشترک، افزون بر اصلاح نگاه تاریخی به خاستگاه حقوق بین‌الملل، می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی نظری و عملی میان نظام‌های حقوقی مختلف، تقویت گفت‌وگوی بین‌تمدنی، و ارائه قرائتی جامع‌تر و انسانی‌تر از حقوق بشر باشد؛ قرائتی که در آن،

تکثیر و انتشار این نوع تسلیحات، به‌ویژه توسط قدرت‌های هسته‌ای، به انجام رسانند. علاوه بر این، نگرانی‌ها درباره‌ی اشاعه چنین تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در کشورهای اسلامی، بسیار جدی است.

در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان کشوری که نظام سیاسی خود را بر اجرای احکام فقهی و اسلامی استوار کرده است، بارها به صراحت و از منظر دینی و فقهی، تولید، انباشت و به‌کارگیری سلاح هسته‌ای را حرام اعلام کرده است. اکثریت فقه‌پژوهان و مراجع عالی‌رتبه از جمله آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی نیز فتوا داده‌اند که تولید و انباشت این سلاح‌ها ممنوع است (همایش ملی فقه اسلامی، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰).

این رویکرد فقهی تأکید دارد که برتری نظامی مسلمانان با هدف بازدارندگی و جلوگیری از خونریزی و ویرانی، رسالتی اخلاقی و دینی است که بر عهده‌ی هر فرد جامعه اسلامی گذاشته شده است. بنابراین تحصیل دانش، فراهم‌آوری سلاح‌های هسته‌ای و بهره‌گیری از فناوری آن‌ها به‌عنوان مقدمات تولید سلاح، مجاز است؛ اگرچه استفاده عملی از آن‌ها مورد تأیید نیست. (نجفی، ۱۳۸۱، ۸)

بخش عمده‌ای از سوءتفاهم قدرت‌ها نسبت به اهداف هسته‌ای ایران، ناشی از عدم شناخت دقیق از مبانی اعتقادی و فقهی نظام سیاسی ایران است. تصمیمات و رفتار جمهوری اسلامی در این زمینه، بیش از آنکه مبتنی بر الزامات حقوق بین‌الملل باشد، ناشی از قدرت الزام‌آور منابع فقهی و اسلامی است که درجه تعهد و الزام آن برای یک دولت

گرفت و از اهمیت آن کاسته شد تا سرانجام در پی جنگ‌های جهانی مجدداً به مرکز توجه جامعه بین‌المللی بازگشت. (محقق داماد، ۱۳۷۸، ۴۷۹)

باید دقت نمود که، این دیدگاه با تأکید بر تقدم حقوق فطری بر حقوق موضوعه، می‌کوشد مبنایی انسان‌محور و تاریخی برای حقوق بشر ارائه دهد که مستقل از اراده‌ی دولت‌ها و حتی پیشینی نسبت به تفسیرهای دینی است. بر این اساس، دین نه منشأ مستقیم حقوق، بلکه چارچوبی ارزشی برای هدایت و صیانت از حقوق ذاتی انسان تلقی می‌شود. چنین تحلیلی زمینه‌ی همگرایی میان حقوق بشر، عقلانیت انسانی و آموزه‌های دینی را فراهم می‌سازد، اما در عین حال چالش تعیین مرزهای دقیق میان قلمرو عقل، دین و قانون‌گذاری را به‌عنوان مسئله‌ای نظری و عملی برجسته می‌کند.

۲-۵. استنباط حکم فقهی تحصیل دانش تسلیحات کشتار جمعی بر اساس مبانی فقهی

در مورد حکم فقهی تحصیل دانش تسلیحات کشتار جمعی، نظرات مختلفی در بین فقهای امامیه وجود دارد. این اختلاف نظر ناشی از تضارب ادله و اصول فقهی در این زمینه است. در اینجا به تفصیل بیشتری به این نظرات و استدلال‌های آنها می‌پردازیم.

۱-۲-۵. حرمت مطلق

موضوع کنترل تسلیحات کشتار جمعی، به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام حقوقی بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود. با این حال، حقوق بین‌الملل و مقررات فراملی تاکنون نتوانسته‌اند اقدام مؤثر و قاطعی برای جلوگیری از

تجهیزات برای ایجاد قدرت بازدارنده است، نه به تولید سلاح‌هایی که امکان استفاده مشروع ندارند.

به علاوه، از منظر فقهی، هرگونه بهره‌گیری، آموزش، یادگیری یا اشتغال در زمینه تولید تسلیحات هسته‌ای که فاقد جنبه مثبت و سازنده برای جامعه اسلامی است، حرام محسوب می‌شود. چنین فعالیتی مصداق هدر دادن سرمایه و «تبذیر» است که قرآن در سوره اسراء (آیات ۲۶ و ۲۷) صراحتاً منع کرده است. (سلیمانی و حسینی، ۱۴۰۰، ۲۲۶-۲۲۸)

در نتیجه، دیدگاه «جواز در صورت ضرورت» با تکیه بر اصل دفاع مشروع و قاعده تبعیت مقدمه از ذی‌المقدمه، رویکردی مشروع و واقع‌گرایانه به مسئله تسلیحات کشتار جمعی ارائه می‌دهد. بر اساس این تحلیل، مشروعیت تحصیل دانش و حتی تولید سلاح، نه ذاتی بلکه وابسته به ضرورت دفاعی، قصد فاعل و امکان استفاده مشروع است. از این منظر، فقه امامیه ضمن پذیرش اصل بازدارندگی، با هرگونه تولید یا آموزش فاقد کارکرد دفاعی و عقلانی که منجر به تبذیر منابع و تهدید کرامت انسانی شود، به‌طور قاطع مخالفت می‌کند و بدین‌سان توازنی میان مصلحت امنیتی و موازین اخلاقی برقرار می‌سازد.

۵-۲-۳. اصل مقابله به مثل

یکی از دلایل مهم برای جواز آمادگی و استفاده از سلاح در اسلام، آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» است. این آیه به صراحت بر ضرورت آمادگی همه‌جانبه مسلمانان در برابر دشمنان تأکید

اسلامی بسیار بالا و تعیین‌کننده است. از این‌رو، فتوهای رهبری جمهوری اسلامی در خصوص ممنوعیت تولید، انباشت و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی، بیشتر بازتابی از مبانی فقهی و قرآنی است تا موضع سیاسی یا تاکتیک راهبردی. (سلیمانی و حسینی، ۱۴۰۰، ۲۰۸-۲۱۰)

در مقام تحلیل می‌توان گفت که رویکرد «حرمت مطلق» با تکیه بر اصول بنیادین فقه امامیه، همچون حرمت افساد فی‌الارض، قاعده لاضرر و تقدم ملاحظات اخلاقی بر مصلحت‌سنجی‌های صرف سیاسی، تلاش می‌کند مرزی روشن میان بازدارندگی مشروع و تولید ابزارهای ویرانگر ترسیم کند. هرچند در این چارچوب، تحصیل دانش به‌مثابه مقدمه‌ای بالقوه برای قدرت دفاعی مورد بحث قرار می‌گیرد، اما غایت نهایی فقه، صیانت از کرامت انسانی و جلوگیری از کشتار بی‌ضابطه است. از این منظر، فتوای حرمت تسلیحات کشتار جمعی نه‌تنها یک حکم فقهی، بلکه تجلی پیوند میان اخلاق، فقه و مسئولیت بین‌المللی دولت اسلامی تلقی می‌شود.

۵-۲-۲. جواز در صورت ضرورت

در این دیدگاه، هر سلاحی باید ماهیت دفاعی داشته باشد و نه تهاجمی و مخرب؛ یعنی سلاحی که استفاده از آن در دفاع مشروع لازم است، تولید آن نیز واجب است و سلاحی که استفاده از آن در دفاع مشروع ممنوع است، تولید آن نیز حرام است. (شریف کاشانی، ۱۴۰۴ق، ۲۰) همچنین، مقدمه حرام (دانش یا تولید سلاح) تنها در صورتی حرام است که قصد استفاده از آن وجود داشته باشد. آیات قرآن نیز تأکید دارند که فرمان به آماده‌سازی نیرو و

اندیشه نظامی اسلام است که ضمن بازداشتن دشمن از تجاوز، وی را از اعمال تجاوز بیشتر باز می‌دارد.

با این حال، برخی نکات مهم در تفسیر این آیات وجود دارد: نخست آنکه، سیاق آیه: آیه صرفاً برای رفع توهّم ممنوعیت مقابله به مثل نازل شده و قصد آن تجویز اجمالی اصل مقابله به مثل بوده است، نه تعیین کمیت، کیفیت یا چگونگی اجرای آن. (موسوی خمینی، ۱۴۱۴ ق.، ۴۸۱-۴۸۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۶۴۹) هدف آیه ۱۹۴ بقره رفع ذهّنیت نادرست مسلمانان درباره جواز دفاع در ماه‌های حرام بوده و مشعر به جزئیات جنگ نیست. (رازی، ۱۴۰۸ ق.، ۷۶؛ ۱۸۳) در چنین شرایطی، هر چند طبق قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» ممکن است آزادی عمل بیشتری در مقابله به مثل وجود داشته باشد، فرماندهان نظامی موظفند حد لازم را رعایت کرده و از تجاوز فراتر نروند و آیه قرآن «ولا تعدوا» را به دقت رعایت کنند.

به طور خلاصه، اصل مقابله به مثل در اسلام مبنایی برای دفاع متناسب و بازدارنده است، اما اجرای آن همواره محدود به رعایت تقوا، اخلاق و قوانین شرعی است و استفاده از آن برای اهداف تهاجمی یا فراتر از حد ضرورت مشروعیت ندارد.

۵-۲-۴. اصل نفی سییل

قاعده «نفی سییل» و اصل «عزت اسلام و مسلمانان» از جمله مباحث فقهی هستند که گاه برای توجیه تولید و حتی وجوب ساخت سلاح هسته‌ای مورد استناد قرار گرفته‌اند. بر اساس این دیدگاه، حفظ اقتدار نظام اسلامی و تأمین برتری

دارد و نشان می‌دهد که داشتن هر نوع سلاح برای ایجاد بازدارندگی و ترساندن دشمنان جایز است، حتی اگر استفاده از آن در شرایط عادی ممنوع باشد. بنابراین، داشتن سلاح‌های پیشرفته و حتی سلاح‌های غیرممتعارف، مادامی که صرفاً برای بازدارندگی و نه برای استفاده عملی در تجاوز به کار رود، می‌تواند مشروع تلقی شود. چه اشکالی دارد که مسلمانان بمب اتم داشته باشند برای ترساندن دشمنان، ولی از آن استفاده نکنند؟

از سوی دیگر، مهم‌ترین دلیل برای جواز مقابله به مثل در جنگ، آیه ۱۹۴ سوره بقره است که به عنوان «اعتداء به مثل» شناخته می‌شود. بر اساس این آیه، مقابله به مثل به عنوان یک قاعده عقلایی و عمومی، شامل همه عناصر جنگ — شامل زمان و مکان، نوع تسلیحات، روش جنگیدن، مناطق و اماکن قابل هدف و حتی افراد و گروه‌های هدف — می‌شود و با توجه به عدم ذکر هیچ استثناء یا محدودیتی، اعمال آن در تمامی عناصر جنگ جایز و گاه واجب است.

طبق این تفسیر، دلالت آیه مذکور گسترده است و می‌تواند هر نوع سلاحی که استفاده از آن در حالت عادی نامشروع است را در شرایط مقابله به مثل مشروع سازد. بنابراین، در شرایط اضطرار و پاسخ به تجاوز دشمن، هر نوع تخریب با هر میزان و در هر زمان، مکان و هدف (افراد قابل کشتار) که در حالت عادی غیرمشروع است، می‌تواند موقتاً اخلاقی و مشروع تلقی شود. آیه ۴۰ سوره شوری نیز به عنوان تأیید دیگری برای اصل مقابله به مثل در اسلام قابل استناد است. بر این اساس، دفاع متوازن و متناسب در برابر تجاوز خارجی یکی از اصول صریح

عمل می‌کند. (سلیمانی و حسینی، ۱۴۰۰، ۲۲۸-۲۳۰)

براساس آنچه گذشت، می‌توان تحلیل نمود که استناد به قاعده «نفی سییل» و اصل «عزت اسلام و مسلمانان» برای اثبات وجوب یا جواز مطلق تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای، با چالش‌های جدی فقهی و اصولی مواجه است. این قواعد ناظر بر نفی سلطه و حفظ کرامت‌اند، نه الزام به اتخاذ هر ابزار ممکن برای قدرت‌افزایی. از این رو، تعمیم آن‌ها به توجیه تولید تسلیحات کشتار جمعی، بدون توجه به ملاحظات اخلاقی، انسانی و قواعدی چون حرمت افساد و تبذیر، محل تردید است. به نظر می‌رسد فقه امامیه، حتی در چارچوب عزت اسلامی، ظرفیت آن را دارد که حرمت تولید این سلاح‌ها را نه نشانه ضعف، بلکه جلوه‌ای از عقلانیت اخلاقی و صیانت از کرامت انسانی تلقی کند.

۵-۲-۵. تفصیل بین مراحل مختلف

گروه سومی از فقها، میان مراحل مختلف تحصیل دانش تفاوت قائل می‌شوند: نخست، جواز تحصیل دانش پایه و نظری؛ تحصیل دانش پایه و نظری که کاربردهای گسترده و دوگانه دارد و به‌طور مستقیم به ساخت سلاح منجر نمی‌شود، جایز است. به‌عنوان نمونه، تحصیل فیزیک هسته‌ای به‌طور کلی مجاز است، زیرا این دانش در حوزه‌های متنوعی مانند پزشکی، صنعت و انرژی کاربرد دارد و محدود به ساخت سلاح نیست. دوم، حرمت تحصیل دانش تخصصی ساخت سلاح: تحصیل دانشی که مستقیماً در طراحی و توسعه تسلیحات کشتار جمعی کاربرد دارد، ممنوع و حرام است. به‌طور مثال، یادگیری دانش مربوط به طراحی و تولید کلاهک‌های

دفاعی در برابر قدرت‌های متجاوز، به توسعه و انباشت سلاح‌های هسته‌ای بستگی دارد و خودداری از آن می‌تواند باعث تضعیف جایگاه مسلمانان شود. از منظر قاعده نفی سییل، دولت اسلامی مکلف است تا با هدف جلوگیری از سلطه بیگانگان، پروژه تولید سلاح هسته‌ای را به عنوان یک ضرورت دنبال کند. برخی از فقه‌پژوهان در این زمینه پا را فراتر نهاده و استفاده عملی از این سلاح‌ها را واجب مؤکد می‌دانند. بر اساس اصل عزت، گفته می‌شود چنانچه تنها از طریق تولید سلاح هسته‌ای امکان دفاع از دین و مسلمانان و ایجاد بازدارندگی علیه دشمنان وجود داشته باشد و دشمنان نیز خود دارای چنین سلاح‌هایی باشند که موجب تحقیر مسلمانان شود، تحریم شرعی تولید این سلاح‌ها می‌تواند زمینه استمرار ضعف و خضوع مسلمانان را فراهم کند. با این حال، نقدهایی بر این استدلال وارد است. یکی از آن‌ها این است که در اصول فقهی، اثبات یک حکم به معنای نفی حکم دیگر نیست؛ یعنی حرمت ذلت مسلمانان به خودی خود وجوب تولید سلاح هسته‌ای را اثبات نمی‌کند. انتقاد از ذلت مسلمانان الزاماً به معنای لزوم تولید سلاح نیست و نقد یک وضعیت، به معنای تصویب خلاف آن نیست. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۳، ۲۵) علاوه بر این، حرمت تولید سلاح هسته‌ای خود می‌تواند موجب حفظ عزت اسلامی باشد؛ نبود چنین تسلیحاتی به معنای پذیرش ذلت نیست، بلکه رعایت حرمت تولید و الزام دیگران به احترام آن، نشانه‌ای از حفظ کرامت و شأن انسانی است. در واقع، حکم به حرمت تولید سلاح‌های هسته‌ای نه تنها باعث خواری نمی‌شود، بلکه در راستای تکریم انسان‌ها و حفظ کرامت آنان

الاضرر و لاضرر در قضیه سمره بن جندب بیان می‌کنند که «لاضرر» حکمی را که موجب زیان شود، برمی‌دارد؛ برای مثال، حکم به سلطنت افراد بر اموالشان نمی‌تواند وسیله‌ای برای وارد کردن ضرر به دیگران شود. تفاوت ضرر و ضرار نیز در آن است که «ضرار» دلالت بر تکرار یا استمرار دارد و اطلاق مضار بر سمره در حدیث به دلیل ورود مکرر او به منزل انصاری بدون اجازه بوده است. (حسینی سیستانی، ۱۳۸۹، ۱۱۳)

امام خمینی (رحمه‌الله علیه) نیز می‌فرماید: «معنای ضرر نزد عرف شناخته شده است و معمولاً معنای عرفی آن نقصان دارایی‌هاست؛ همان‌گونه که نفع در مقابل آن به کار می‌رود. ضرر و ضرار در لغت، قرآن و حدیث برای هتک حرمت به کار نرفته است». (موسوی خمینی، ۱۴۱۴ ق، ۶۲)

باید دقت نمود که بیشتر فقهای عظام با منفی دانستن ضرر، این قاعده را «قاعده نفی ضرر» نامیده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۲۰ ق، ۲۲۹) این فقها دو دلیل برای این نفی ارائه کرده‌اند:

نخست، اکثر ایشان علت نفی ضرر را بر اساس نص روایت نورانی پیامبر گرامی اسلام درباره قضیه سمره می‌دانند. دوم آنکه، برخی دیگر علاوه بر این روایت، مفاد آیات کریم قرآن درباره ضرر را نیز دلیل بر نفی ضرر دانسته‌اند. (نجفی، ۱۳۸۴، ۳۸۰)

با این حال، بررسی پاسخ‌ها و نقدهایی که پیرامون این اشکال مطرح شده است — که اگر در اسلام هرگونه ضرر نفی شده باشد، چگونه می‌توان وجود ضررهای متعدد در احکام اسلامی را توجیه کرد؟ — نشان می‌دهد پاسخ‌های ارائه شده کامل نبوده و

هسته‌ای یا سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی از نظر شرعی جایز نیست.

۵-۲-۶. ضرر و ضرار از دیدگاه فقهی در باب تسلیحات کشتار جمعی

اصولیان و فقها در تبیین معنای واقعی لفظ «ضرر» و تمایز آن با «ضرار» دیدگاه‌های متفاوتی دارند که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

شیخ انصاری در کتاب *المکاسب* می‌نویسد: «ضرر در عرف معنای روشن دارد و نیازی به تعریف ندارد و این که ضرر و ضرار یکسان هستند یا نه، چندان بحث مهمی نیست». (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ۳۷۲)

آخوند خراسانی در *کفایه* می‌گوید: «ضرر در مقابل نفع است؛ یعنی نقصان در نفس، اعضای بدن، حیثیت یا مال. تقابل ضرر و نفع مانند تقابل ملکه و عدم ملکه است. ضرار نیز به معنای ضرر است و برای تأکید آن آمده است». (خراسانی، ۱۳۶۳، ۴۳۲)

مرحوم نائینی معنای ضرر را «نقص» می‌داند که شامل نقصان مالی، بدنی، حقوقی یا حیثیتی است و تفاوت ضرر و ضرار را این‌گونه بیان می‌کند: «اگر از کاری یا حکمی ضرر و نقصی ایجاد شود و عمدی در کار نباشد، «ضرر» است؛ اما اگر با قصد و عمد ضرر وارد شود، «ضرار» است». (خوئی، ۱۴۳۶ ق، ۳۷۹)

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز چنین فرموده‌اند: «نداشتن یا از دست دادن هر یک از مواهب زندگی مانند جان، مال، حیثیت و هر چیز دیگر که از آن بهره‌مندیم، ضرر محسوب می‌شود». (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ۱۷۸) ایشان با استناد به حدیث

۵-۳-۱. مبانی فقهی حرمت تولید و استفاده از تسلیحات هسته‌ای

در فقه اسلامی، اصل «لاضرر و لاضرار» یکی از مهم‌ترین اصول در زمینه محدودسازی ضرر و جلوگیری از ظلم و فساد است. این اصل که در احادیث و کلمات فقها مورد توجه قرار گرفته است، بیان می‌کند که هیچ فرد یا جامعه‌ای نباید به خود یا دیگران ضرر رساند. این قاعده، به لحاظ فلسفی و عقلی، به نوعی محدودیت اخلاقی در کاربرد قدرت تخریبی می‌دهد و به ویژه در مورد سلاح‌های هسته‌ای که آثار آن فراتر از محدوده جنگ و دشمنان مستقیم است، کاربرد گسترده دارد.

فقه‌های عظام همچون شیخ انصاری، نائینی و آیات عظام دیگر، ضرر را به معنای نقص در جان، مال یا حیثیت افراد تعریف کرده‌اند و فرق میان ضرر (که غیرعمدی است) و ضرار (که با قصد وارد کردن آسیب است) را روشن ساخته‌اند. با توجه به این مبنا، تولید و استفاده از تسلیحات هسته‌ای که می‌تواند نسل‌های آینده را با بیماری‌های صعب‌العلاج و نابودی محیط زیست مواجه کند، نه تنها ضرر عمدی است، بلکه شامل ضرر نوعی و گسترده می‌شود و از مصادیق «ضرار» به شمار می‌آید. (حسینی طهرانی، ۱۴۰۱، ۴۳۱)

مقام معظم رهبری، در مواضع رسمی خود، با صراحت حرمت تولید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را اعلام کرده‌اند. در این فتوای مهم، آمده است که هرگونه استفاده از سلاح هسته‌ای، حتی در شرایط دفاع، به دلیل آثار طولانی‌مدت و تخریبی آن، حرام است و تولید این سلاح‌ها نیز به عنوان

این اشکال همچنان مطرح است. به همین دلیل، برخی از فقهای بزرگ ضمن تأکید بر نفی ضرر در مباحث گوناگون، در عین حال از اصطلاح «نهی از اضرار» نیز بهره برده‌اند تا جنبه‌های عملی و محدودکننده این قاعده را روشن سازند. (مجلسی، ۱۴۰۶ ق. ۴۵) برخی از فقهای برجسته، قاعده مزبور را به معنای «نفی ضرر» تفسیر کرده‌اند، اما با توجه به اشکالات مطرح‌شده و عدم ارائه پاسخ‌های قانع‌کننده، نفی ضرر را مستلزم «نهی» حتی به معنای «نهی از ضرر» دانسته‌اند. (نراقی، ۱۴۲۲ ق. ۲۷۳) با این حال، این دیدگاه نتوانسته است اشکال اصلی را برطرف کند، زیرا وقتی قانون‌گذار اسلام احکام ضروری را وضع کرده است، چگونه ممکن است مسلمانان را از وارد کردن ضرر به خود یا دیگران منع کند؟ همچنین چگونه می‌توان جمله مشهور «لاضرر و لاضرار» را به صراحت در نفی ضرر و ضرار دانست و همزمان آن را به عنوان یک نهی معرفی کرد، در حالی که توجیه نهی از عملی که هنوز واقع نشده، ممکن نیست.

۵-۳. رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران

موضع جمهوری اسلامی ایران در حوزه سلاح‌های هسته‌ای در دو سطح فقهی و سیاسی قابل بررسی است: نخست، بررسی فتوای مقام معظم رهبری و دیگر فقها در زمینه حرمت تولید و استفاده از این تسلیحات؛ و دوم، ارزیابی تطبیق این مواضع با معاهدات بین‌المللی، به ویژه پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و دیگر مقررات حقوق بین‌الملل مرتبط با سلاح‌های کشتار جمعی. (پورامینی، ۱۴۰۳، ۱۰۷)

کرد تحصیل دانش و تولید این تسلیحات را کنترل کرده و از بروز تهدیدات گسترده انسانی و زیست‌محیطی جلوگیری کند. این رویکرد نشان داد که کشور توانسته است توازنی میان امنیت ملی و تعهد به اصول اخلاقی و بین‌المللی ایجاد کند.

بنابراین، نوشتار حاضر به وضوح نشان داد که منع تحصیل دانش و تولید تسلیحات کشتار جمعی در ایران برآمده از تعامل سازنده میان فقه و حقوق بین‌الملل بوده و پاسخی روشن به پرسش‌های مطرح‌شده درباره مشروعیت و همسویی با موازین جهانی ارائه کرد. با این حال، باید توجه داشت که هرچند میان فقه امامیه و حقوق بین‌الملل همگرایی قابل توجهی وجود دارد، این همگرایی در عمل تأثیر مستقیمی بر روندهای حقوق بین‌الملل نگذاشته و بیشتر در سطح نظری و داخلی باقی مانده است.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مقدمات استفاده، مورد تحریم شرعی قرار دارد. این فتوا به صورت رسمی، مبنای فقهی و قانونی ایران در حوزه سلاح‌های کشتار جمعی به شمار می‌رود و تأکید می‌کند که هیچ‌گونه «وجوب دفاعی» نمی‌تواند توجیه‌کننده تولید یا استفاده از این تسلیحات باشد.

۶. نتیجه

این مقاله نشان داد که از منظر فقه امامیه، تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی عمدتاً به دلیل قواعدی همچون «لاضرر»، «نهی سبیل» و «حرمت اعانت بر اثم» حرام بوده است. هرچند برخی دیدگاه‌ها به جواز مشروط برای مقاصد دفاعی و بازدارندگی اشاره داشتند، فتاوی مراجع تقلید و موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران بر حرمت مطلق این سلاح‌ها تأکید کردند. این موضع نه تنها ریشه در مبانی دینی و اخلاقی داشت، بلکه با تعهدات بین‌المللی ایران، از جمله پیمان ان‌پی‌تی، نیز همسو بود.

همچنین نتایج تحقیق حاکی از آن است که رویکرد ایران در تقاطع فقه امامیه و حقوق بین‌الملل نمونه‌ای از همگرایی ارزش‌های دینی با استانداردهای جهانی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده است. این هماهنگی نشان‌دهنده تعهد ایران به حفظ کرامت انسانی، محیط زیست و صلح بین‌المللی بود و الگویی برای دیگر کشورهای دارای نظام حقوقی دینی فراهم کرد. علاوه بر این، بررسی موردی و تطبیقی نشان داد که این موضع تنها محدود به چارچوب نظری نبود، بلکه در سیاست‌های امنیتی و دفاعی کشور نیز بازتاب یافته بود. ایران با تکیه بر اصول فقهی و حقوقی، تلاش

منابع

منابع فارسی

- قربان‌نیا، ناصر، نسبت میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، جلد اول، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۲.
- مجتهد شبستری، محمد، نقدی بر قرائت رسمی از دین، چاپ دوم، تهران، نشر طرح نو، ۱۳۷۹.
- محقق داماد، مصطفی، دین، فلسفه، قانون، به کوشش علی دهباشی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر فرهود، ۱۳۷۸.
- موسی‌زاده، رضا، «حقوق بین‌الملل کیفری از دیدگاه اسلام»، دانشنامه حقوق اسلامی، شماره چهاردهم، ۱۳۸۳.
- امین‌زاده، الهام، دین و حقوق بشر: تعامل یا تقابل، جلد اول، چاپ دوم، تهران، مرکز گفتگوی ادیان و تمدن‌ها، ۱۳۹۱.
- پورامینی، محمدحسین، فتوای هسته‌ای، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۰۳.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، جلد نهم، ۹، چاپ اول، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- حسینی سیستانی، علی، منهاج الصالحین، جلد اول، چاپ دوم، قم، مکتب آیت‌الله سیستانی، ۱۳۸۹.
- حسن‌خانی، محمد، «بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشردوستانه در اسلام و مسیحیت»، دانش سیاسی، شماره سی‌وچهارم، ۱۳۸۵.
- حسینی، سیدلطیفه؛ محمدزاده، ناهید، «فردینی یا دینی بودن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، پژوهش‌های اسلامی در حقوق بشر، شماره نوزدهم، ۱۳۹۶.
- حسینی طهرانی، سید محمدمحسن، قواعد فقهیه؛ قاعده لاضرر و لاضراره، تهران، مکتب وحی، ۱۴۰۱.
- سلیمانی، رضا؛ حسینی، سیده فاطمه، «ادله فقهی حرمت ساخت و به‌کارگیری تسلیحات هسته‌ای در راهبرد بازدارندگی اسلام»، پژوهش‌های فقهی و حقوقی معاصر، شماره دهم، ۱۴۰۰.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد، «تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه امامیه»، فقه اهل‌بیت، شماره سی‌ویکم، ۱۳۹۳.
- انصاری، مرتضی، المکاسب، جلد سوم، چاپ اول، قم، کنگره جهانی شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق.
- خراسانی، محمدکاظم، کفایة الاصول، چاپ سوم، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۶۳.
- خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، جلد اول، چاپ اول، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۶ق.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، جلد پنجم، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- شریف کاشانی، محمد، اصطلاحات الفقه، جلد اول، چاپ اول، قم، نشر الهادی، ۱۴۰۴ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، جلد اول، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.

- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد چهل و پنجم، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
 - موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، جلد اول، چاپ دوم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۴ق.

- موسوی بجنوردی، سید محمد، القواعد الفقهیة، جلد اول، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين، ۱۳۸۵.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد هشتم، چاپ سوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد سی و هشتم، چاپ سوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.

- زراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ق.

منابع لاتین

- Fixdal, Mona; Smith, Dan, "Humanitarian Intervention and Just War", Mershon International Studies Review, Vol. 42, No. 2, 1998.

- Rehman, Javaid; Breau, Susan C., Religion, Human Rights and International Law: A Critical Examination of Islamic State Practice, 1st ed., Leiden, Martinus Nijhoff Publishers, 2007.